

جرم‌شناسی

این عدد ۱۲ روی نظریه‌های Galton و Balthazard, flames است که نظریه خود را ثابت نموده و عملی‌لابراتوار هم آنها را تأیید نموده است ولی بدون اینکه زیاد در عدد ۱۲ بحث نمایم باید متوجه بود که تعیین هویت از روی نقوش سر انگشت این نیست که فقط در جستجوی خمیدگی خطی یا انقطاع آن در وضعیت سبابه بر آئیم بلکه بایستی زوایای خمیدگی مذکور و طول انقطاع و عرض خطوط نیز با یکدیگر تطابق داشته باشند از این رو نتیجه میگیریم که از نشانه که محو و واضح نیست Folu یا نشانه مقطعی که مرکز شکل محو شده باید بظاهر مخصوص هر یک از نقاط مشخصه که در شکل یافته ایم وقت نموده و اگر اختلافی بنظر رسید حتی یک اختلاف رأی بدم شباهت آنها بدسیم .

ظاهراً گمان میرود که عدده مشخصاتی که در حاشیه عکس‌های بزرگ شده نقوش یاد داشت میشوند از نظر اهمیت مسئله ایست فرعی باین ترتیب که یک نقطه ممیزه نادر در یک شکل بیشتر قابل اهمیت است برای تعیین هویت تا یک رشته از خمیدگی‌های متشابه همچنین چهار یا پنج نقطه که در یک مرکز شکل استثنائی جمع شده باشند بیشتر یقین ما را جلب میکنند تا ۱۲ یا ۱۵ انقطاع خطوط که بطور متفرق در حواشی شکل یافت شوند .

بالاخره در یک خط خیلی واضح که یک رشته از مسامات دوبرسو صف کشیده باشند یا غیر طبیعی جمع شده باشند بنظر دلیل قاطعی میآیند و حال آنکه صحبت از عدد ۱۲ که علمای این فن معتقدند در بین نیست خلاصه ممکن است سه صورت پیدا شود .

۱ - بیش از ۱۲ نقطه ممیزه موجود و نقش هم واضح است در این حالت بدون تردید یقین کامل حاصل است که دو نقش یکی هستند .

۲ - هشت تا ۱۲ نقطه موجود است یقین در اینجا

بسته است به :

اولاً وضوح نقش .

ثانیاً نادر بودن نوع نقش .

ثالثاً وجود مرکز نقش یا مثلثی در قسمت قابل

تشخیص و تمیز نقش .

رابعاً وجود مسامات .

خامساً شباهت کامل و واضح عرض خطوط و شیارها جهت سیر خطوط و اندازه خمیدگی زوایا در این حالات یقین برای تعیین هویت حاصل نمی شود مگر بعد از بحث و مطالعه هر حالت بخصوص توسط یک یا چند نفر متخصص صالح و باتجربه .

۳ - عدده نقاط ممیزه در روی نقش کم است در این مورد نقش حاصله یقین ما را جلب نمیکند .

فقط احتمالاتی ممکن است در فکر ما حاصل شود و این احتمالات هم بسته بعهده نقاط و وضوح آنهاست اگر یک عدده نقوش در امر جنائی یافت شود که هیچکدام یقین مطلق برای ما حاصل نمی کنند سه حالت را باید تشخیص داد .

اولاً - انگشتی چندین مرتبه نقشش تکرار شده اگر در روی یکی از نقوش بعضی از نقاط قابل تمیز و تشخیص هستند و همین نقاط روی نقش دیگر مشاهده نمی شود برای آنکه ب نتیجه برسیم شایسته است که آنها را با هم جمع نمایم .

برای آنکه مطالب روشن شود بطور مثال فرض می کنیم که انگشت سبابه راست یک نفر سه مرتبه در روی بطری نقشش تکرار شده باشد . بین این سه نقش از همه بهتر و واضح تر ده نقطه ممیزه دارد . نقش دوم پنج نقطه از نقاط ممیزه که در نقش اولی دیده ایم بعلاوه دو نقش تازه نقش سوم چهارم نقطه که در روی نقش اولی یاد می دیده ایم

و سه نقش تازه در این صورت خواهیم گفت که تعیین همدست متهم از روی نقوش مختلفه سیابه راست او باین نحو میشود که نقاط ممیزه را با هم جمع نمائیم (۱۰ + ۲ + ۳ = ۱۵) و نکته که باید بخاطر داشت اینست که تعیین هویت متهم باین نقش احتمالی و حال آنکه بعد از جمع نقاط ممیزه نقوش کشف شده در محل و مقایسه آن با نقوش انگشت جانی یقین حاصل میشود.

ثانیاً نقوش مختلفه در محل جرم موجود است که برای هر کدام فرضی مشابه با نقوش متهم هست و اسی از وضعیت هیچیک از آنها نمیتوان فهمید که متعلق بفلان یا فلان انگشت است و این حالت وقتی اتفاق میافتد که نقوشی مثلا روی گردنه بطری و نقش دیگری در وسط بطری است و بر حسب وضعیت آنها نمیتوان فهمید که آیا نقش موجود از سیابه متهم ناشی شده یا از وسطی یا خنصر یا بنصر.

اگر نقش اول شش نقطه مشترك با سیابه راست متهم داشته و دومی ۴ نقطه مشترك با خنصر چپ فرض تعیین هویت تقویت می شود ولی نمیتوانیم بمرحله یقین برسیم چون ممکن است در مقابل دو تصادف واقع شده باشیم.

ثالثاً چندین نقش انگشت بی در پی با وضعیت معینی در محل جرم یافت میشوند و این حالت در موقعی است که شیئی با تمام دست گرفته شده باشد پهلو به پهلو و در نظم طبیعی و معینی نقش سیابه وسطی خنصر و بنصر یا نقش شصت در طرف مقابل دیده میشوند. اگر نقاط مشخصه هر فرد از انگشتان برای جلب یقین ما بتنهائی کافی نیستند. مثلا یکی ۷ یکی ۹ یکی ۸ یکی ۱۱ نقطه مشابه با نقوش متهم دارد و معذک با توجه بمجموعه آنها بدون تردید بایستی گفت که نقش موجوده از متهم برخاسته شده و از راه قانون استثنائی درجات یقین افزوده می شود خلاصه باید کاملاً ملتفت بود که در اینجا نقاط ممیزه با هم جمع می شوند و چون در مقابل يك رشته از نقوش واقع شده ایم امکان اشتباه و خطا خیلی کم شده و فرض امکان تصادف

نیز مرتفع میشود تا وقتی در مقابل انگشت نامعلومی قرار گرفته و بخواهیم از روی يك نقش تعیین هویت نمائیم. وقتی نقوشی که در محل جرم پیدا شده اند قطعه قطعه و متفرق هستند قاعده کلی اینست که تعیین هویت آن نقوش بسته به نسبت عدده نقاط ممیزه است بالتازار از روی جمعیت کمره زمین ثابت نموده که وقتی ۱۷ نقطه مشترك پیدا نمودیم دیگر امکان خطا و اشتباه در بین نیست و اضافه میکنند که در تحقیقات طب قانونی ممکن است عدده نقاط به ۱۲ یا ۱۱ برسد موقعی که مطمئن شویم که جانی ملیت ناممولی نداشته و اروپائی. فرانسوی مخصوص ساکن يك شهر مخصوص یا قریه مخصوص است و غیره.

آیا ممکن است نقوش اشخاص يك خانواده با هم مشتبه شوند یا دو نقش با هم مخلوط شوند؟

جواب باین سؤال منفی و این اختلاط نقوش يك خانواده خیالی است و تحقیقات **Forgeot Rodolfo Senet** نشان میدهند که نقوش ارثی نیستند و همچنین مؤسسه نقوش سر انگشت چادر نشین ها، که در فرانسه و سایر کشورها برای تشکیل دفترچه هویت آنها برقرار شده این معنی را تأیید میکند که ارتباطی بین نقوش اعضاء يك خانواده وجود ندارد. فقط دو استثناء ظاهری موجود است:

یکی در نزد ابله ها و احمق ها که دارای نقوش متحد الشکلی هستند (نژاد یست و از بین رفته دارای خطوطی بشکل کمائی هستند) و ممکن است شباهت کلی بین نقوش آنها باشد.

و دیگری اطفال دو قولو که منظره خارجی نقوش آنها فوق العاده شبیه است (نه همیشه) ولی فوراً متذکر میشویم که این شباهت روی جزئیات نمی رود (یعنی نقاط استثنائی و مسامات) و اشتباه در تعیین هویت آنها نخواهد شد. چون وقتی نقوشی را بتوان از روی نقاط مشخصه تعیین هویت نمود از دقت در مسامات مولده عرق میتوان این منظور را حاصل کرد.